



## آب در اسلام

پدیدآورنده (ها) : واعظ زاده خراسانی، محمد

علوم قرآن و حدیث :: نشریه مشکوة :: پاییز و زمستان ۱۳۶۵ - شماره ۱۲ و ۱۳ (ISC)

صفحات : از ۲۶ تا ۴۴

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/58521>

تاریخ داندود : ۱۴۰۵/۰۱/۲۰

### کاربر گرامی، فایل داندود شده فقط برای استفاده شخصی است، از نشر آن خودداری فرمایید.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه **قوانین و مقررات** استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



# آب در اسلام

در قرآن و حدیث و فقه و بطور کلی در متون اسلامی، آب، با اهمیت فراوان تلقی شده، و درباره این اکسیر زندگی، سخن بسیار، و آثار و احکام و آداب بی شمار آمده است که اگر مشروحاً با توجه به همه منابع اسلامی از آن بحث شود، در یک جلد هم ننگنجد چه رسد به مقاله ای، و ما نه چنین فرصتی داریم و نه چنین نیتی، بلکه در این جا صرفاً به رئوس مسائل اقتباس شده از اسلام و آثار اسلامی فهرست وار اشاره می کنیم.

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

## آب مایه حیات

آب مایه حیات جنبندگان و نباتات است، و این یکی از معانی آیه: (وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا<sup>۱</sup>) است. طبرسی<sup>۲</sup> سه معنی برای این آیه ذکر کرده است: ۱- با آب باران هر چیز زنده ای را حیات بخشیدیم. و این را اضح دانسته است. ۲- هر جانوری را از آب نطفه آفریدیم. ۳- در آب، حیات هر ذی روح و نمو هر نموکننده را قرار دادیم، پس حیوانات، نباتات و اشجار را شامل می شود. معنی اول با آیه: «وَاللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِنْ مَاءٍ<sup>۳</sup>» موافق است. امام صادق در حدیثی در پاسخ کسی که از طعم آب سؤال کرده بود فرمود: طَعْمُ الْمَاءِ طَعْمُ الْحَيَاةِ: طعم آب طعم حیات است<sup>۴</sup>.

## آب اولین مخلوق

روایاتی به عنوان (اول ما خلق الله الماء) رسیده<sup>۵</sup> و کیفیت خلقت آب و آفرینش جهان را از

۲- مجمع البیان ج ۴ ص ۴۵

۴- مجمع البیان ج ۴ ص ۴۵ به نقل از تفسیر عیاشی

۱- سوره انبیاء/ ۳۰

۳- سوره نور/ ۴۵

۵- سفینه البحار ج ۲ ص ۵۵۹ با اشاره به محل آن روایات در بحار الانوار مجلسی

آن ماده اصلی بیان کرده است، که خود نیاز به شرح و تفسیر دارد و دانسته نیست که آن چه نوع آبی بوده است.

و به گفته مرحوم طبرسی، آیه (وكان عرشه على الماء<sup>۶</sup>) دلیل است که پیش از خلقت زمین و آسمان، آب همراه عرش خدا وجود داشته، و آن آب به قدرت خدا قائم بوده نه بر چیزی دیگر<sup>۷</sup>. و مراد آن است که خداوند نخست آب را آفرید و از آب چیزهای دیگر را.

بنابراین، عرش خدا جسمی و جایی نیست، بلکه کنایه از سیطره و قدرت نامحدود خداست بر همه چیز، مقام فرمانروایی و قدرت مطلقه حق، به تخت پادشاه، که مرکز قدرت و فرمانروایی وی بر کشور است تشبیه گردیده است. و بنا بر بعضی از روایات مراد از عرش خدا علم اوست، و حاملان عرش خدا حاملان علم اویند<sup>۸</sup>.

### آب مایه رفاه و آسایش بشر

در قرآن، آب وسیله رفاه و بقا و آسایش بشر شمرده شده که اگر از میان برود کسی جز خداوند قادر به آفریدن آن نیست: (قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ<sup>۹</sup>) (أَوْ يُصْبِحَ مَاؤُهَا غَوْرًا فَلَا تَسْتَطِيعُ لَهُ ظَلْبًا<sup>۱۰</sup>)

و اگر مردم بر طریق طاعت گام بردارند، خدا آب گوارا به آنان عنایت کند؛ و اگر بخواد آب خوشگوار را تلخ و شور می گرداند: (وَالْوَأَسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقِينَهُمْ مَاءً غَدَقًا<sup>۱۱</sup>) (وَأَسْقِينَهُمْ مَاءً قُرَاتًا<sup>۱۲</sup>) (لَوْ نَشَاءُ جَعَلْنَاهُ أُجَاجًا فَلَوْلَا تَشْكُرُونَ<sup>۱۳</sup>).

### آب باران و ثمرات آن

قرآن، بارها و بطور گوناگون، از آب آسمان و نعمت باران یاد کرده و گفته است: این ما هستیم که آب آشامدنی شما را از ابرها نازل می کنیم نه شما: (أَفَرَأَيْتُمُ الْمَاءَ الَّذِي تَشْرَبُونَ، إِنَّا نُنزِلُهُ مِنَ الْمُنْزِلِ أَمْ نَحْنُ الْمُنزِلُونَ<sup>۱۴</sup>)

خدا از آسمان، آب نازل می کند تا زمین مرده را زنده کند: (وَيُنزِلُ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَيُحْيِي

۷- مجمع البیان ج ۳ ص ۱۴۴

۹- سوره ملک/۳۰

۱۱- سوره جن/۱۶

۱۳- سوره واقعه/۷۰

۶- سوره هود/۷

۸- سفینه البحار ج ۲ ص ۱۷۶

۱۰- سوره کهف/۴۱

۱۲- سوره مرسلات/۲۷

۱۴- سوره واقعه/۶۸ و ۶۹

به الأرض بعد موتها) ۱۵ (سُقْنَاهُ لِيَلِدَ مَيْتًا ۱۶) (فَأَنْشَرْنَاهُ بِلَدَّةٍ مَيْتًا ۱۷) (لِنُحْيِيَ بِهِ بَلَدَةً مَيْتًا ۱۸) (ولئن سألتهم من نزل من السماء ماء فأحيا به الأرض من بعد موتها ليقولن الله ۱۹) (فَأَخْيَيْنَاهُ بِلَدَّةٍ مَيْتًا ۲۰)  
 تا زمین سبز و خرم شود، و از آن نباتات و درختها بروید، و انواع میوه ها و محصولات به دست آید، و شما و چار پایانتان از آنها بهره برید و ارتزاق کنید و شما از آن آب بیاشامید: وَتَرَى الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَّتْ وَأَنْبَتَتْ مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيحٍ ۲۱) (أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَتُصْبِحُ الْأَرْضُ مُخْضَرَّةً ۲۲) (وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الشِّمْرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ ۲۳) (هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لَكُمْ مِنْهُ شَرَابٌ وَمِنْهُ شَجَرٌ فِيهِ تُسِيمُونَ، يُبْتِغُ لَكُمْ بِهِ الزَّرْعَ وَالزَّيْتُونَ وَالنَّخِيلَ وَالْأَعْنَبَ وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ ۲۴) (وهو الذي أنزل من السماء ماء فأخرجنا به نبات كل شيء ۲۵) فأخرجنا منه خضراً نخرج منه حباً متراكباً ومن النخل من طلعها... ۲۶) (فَأَنْبَتْنَاهُ جَنَّتٍ وَحَبِّ الْحَصِيدِ، وَالنَّخْلَ بَاسِقَاتٍ لَهَا طَلْعٌ نَضِيدٌ رِزْقًا لِيَعْبَادٍ ۲۷)

از آسمان آب نازل کرد تا باعث نظافت و طهارت شما گردد: (وَيُتَرَكُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لِيُظْهِرْكُمْ وَيُذْهِبَ عَنْكُمْ رِجْزَ الشَّيْطَانِ... ۲۸) (وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا ۲۹)  
 تا آب در زمین قرار گیرد و از آن، دریاها، چشمه ها و نهرها پدید آید: (وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَسْكَنَتْهُ فِي الْآرِضِ وَإِنَّا عَلَىٰ ذَهَابٍ بِهِ لِقَادِرُونَ ۳۰) (أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَلَكَهُ يَنْبِيعٌ فِي الْأَرْضِ... ۳۱) (وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَةٌ بِقَدَرِهَا... ۳۲)  
 آب آسمان مبارک و پربرکت است: (وَوَزَّلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً مَبْرُكًا ۳۳).

در روایات، استشفاء و تبرک جستن به آب باران بخصوص باران (نسیان) توصیه شده است ۳۴. همچنین از استشفاء به آب جوشیده، آب سرد، آب گرم، آب شیرین، آب زمزم، آب فرات و جز اینها، کما این که از تأثیر سوء برخی از آنها و نهرها از جمله رود نیل و دجله سخن رفته است ۳۵.

۱۶ - سورة اعراف/ ۷۵	۱۵ - سورة روم/ ۲۴
۱۸ - سورة فرقان/ ۴۹	۱۷ - سورة زخرف/ ۱۱
۲۰ - سورة ق/ ۱۱	۱۹ - سورة عنكبوت/ ۶۳
۲۲ - سورة حج/ ۶۳ و نحوه: النمل/ ۶۰	۲۱ - سورة حج/ ۵
۲۴ - سورة نحل/ ۱۰	۲۳ - سورة بقره/ ۲۲
۲۶ - سورة انعام/ ۹۹	۲۵ - سورة زخرف/ ۱۱، و نحوه ابراهيم/ ۳۲ و طه/ ۵۳
۲۸ - سورة انفال/ ۱۱	۲۷ - سورة ق/ ۹ و ۱۰
۳۰ - سورة مؤمنون/ ۱۸	۲۹ - سورة فرقان/ ۴۸
۳۲ - سورة رعد/ ۱۷	۳۱ - سورة زمر/ ۲۱
۳۴ - مستدرک الوسائل ج ۳ ص ۱۳۴	۳۳ - سورة ق/ ۹

### قدر آب باران معین است

قرآن، دربارهٔ تحدید و تعیین اندازهٔ مخلوقات خدا مکرراً سخن گفته، و این حکم را نسبت به همهٔ اشیاء تعمیم داده است: (إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ<sup>۳۶</sup>). در مورد آب باران نیز تأکید بر تعیین مقدار آن دارد: (وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَسْكَنَّا فِي الْأَرْضِ<sup>۳۷</sup>) (وَالَّذِي نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ<sup>۳۸</sup>).

### رابطهٔ باد و باران

در قرآن ارتباط باد و باران بطور دقیق، و به گفتهٔ اهل فن منطبق با علم فضا و هواشناسی، مشروحاً آمده است از جمله می‌گوید خداوند بادها را می‌فرستد تا ابر را برانگیزند و آن را در فضا بسط می‌دهد: (اللَّهُ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَيَبْسُطُهُ فِي السَّمَاءِ<sup>۳۹</sup>). نکتهٔ مهم و قابل ملاحظه آن که در قرآن، هر جا باد در رابطه با باران آمده همه جا به لفظ (ریاح) جمع است که مورد اعجاب متخصصان فن قرار گرفته و آن را معجزه می‌دانند، زیرا ثابت گردیده تا بادها از چند جانب ابرها را احاطه نکنند و آن را فشار ندهند. تبدیل به باران و آب نمی‌شود و به همین علت، قرآن این گونه از ابرها را (مُعَصِرَات) بر وزن اسم فاعل یا مفعول نامیده (وَأَنْزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجًا<sup>۴۰</sup>) و این درحالی است که لفظ (ریح) به صیغهٔ مفرد غالباً نشانهٔ غضب و عذاب و ویرانی است و ویرانی را به دنبال ندارد و به همین جهت آن را (ریح عقیم) نامیده است: (إِذْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الرِّيحَ الْعَقِيمَ<sup>۴۱</sup>) (وَأَمَّا عَادٌ فَاهْتَلَكُوا بِرِيحٍ صَرْصَرٍ عَاتِيَةٍ<sup>۴۲</sup>)

نقطهٔ تراکم و فشار باد را در ابر، اصطلاحاً (خانهٔ باران) می‌گویند که در قرآن از آن به (مُزْن) تعبیر شده است: (عَاتِمٌ أَنْزَلْتُمُوهُ مِنَ الْمُزْنِ أَمْ نَحْنُ الْمَنْزُولُونَ<sup>۴۳</sup>)

### آثار دیگر آب

در حدیث، نظر انداختن به آب جاری، فضای سبز، و روی زیبا باعث جلای بصر شمرده شده

۳۷ - سورة مؤمنون/ ۱۸

۳۶ - سورة قمر/ ۴۹

۳۹ - سورة روم/ ۴۸ و مانند: فاطر/ ۹، اعراف/ ۵۷، نمل/ ۶۳.

۳۸ - سورة زخرف/ ۱۱

۴۱ - سورة الفرقان/ ۴۱

۴۰ - سورة عم/ ۱۴

۴۲ - سورة الحاقة/ ۶ و چند آیهٔ دیگر.

۴۳ - سورة واقعه/ ۶۹. مشروح بحث باد و باران در قرآن را در کتابی به همین نام ملاحظه نمایند

است<sup>۴۴</sup> و این شعر معروف:

ثَلَاثَةٌ يُدْهِبُنَّ عَنْ قَلْبِي الْحَزْنَ  
الماءُ وَالْحَضْرَاءُ وَالْوَجْهُ الْحَسَنُ<sup>۴۵</sup>

ناظر به همین معناست و شاید از آن حدیث اقتباس شده باشد. ابن أعسم، منظومه ای در مورد آب دارد که مضامین آن غالباً از روایات أخذ شده است، بدین مطلع،

سَيَدُ كُلَّ الْمَايَعَاتِ الْمَاءُ  
مَاعْنَهُ فِي جَمِيعِهَا غِنَاءُ  
أَمَاتَرِي الْوَحْيَ إِلَى النَّبِيِّ  
منه جَعَلْنَا كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا<sup>۴۶</sup>

به گواهی کشف الآیات<sup>۴۷</sup> در قرآن ۶۳ بار کلمه (ماء) آمده و بارها از آنها در دریاها و آبهای دنیا و ثمرات آنها برای بشرباد شده است که شمه ای از آن آیات قبلاً ذکر شد. علاوه بر این، در میان نعمتهای بهشتی از آب، با اهمیت خاصی نام برده است و به جز آیات بسیار که از نهرهای بهشت یاد کرده، و بارزترین وصف بهشت را (جَنَاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا أَنْهَارٌ) قرار داده مانند: (وَأَدْخِلِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا بِأُذُنٍ رَبِّهِمْ...<sup>۴۸</sup>) یادآور می شود که دوزخیان، از بهشتیان آب طلب کنند: (وَنَادَى أَصْحَابُ النَّارِ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَنْ أَفِيضُوا عَلَيْنَا مِنَ الْمَاءِ أَوْ مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَهُمَا عَلَى الْكَافِرِينَ<sup>۴۹</sup>).

و نیز بهشتیان، در سایه ای ممتد، و کنار آب جاری به سر برند، و پسرانی زیبا زیبایی جاودان و مخلد، با ابرقها و کوزه ها و جامهای آب و شراب بر آنها می گردند و خدمت می کنند: (وَوَظَلِّ مَمْدُودٍ، وَمَاءٍ مَسْكُوبٍ<sup>۵۰</sup>) (يَطْلُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُخَلَّدُونَ، بِكَوَابٍ وَأَبَارِيقَ وَكَاسٍ مِنْ مَعِينٍ<sup>۵۱</sup>) در حدیث نبوی آمده است: (الْمَاءُ سَيِّدُ الشَّرَابِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ<sup>۵۲</sup>) آب در دنیا و آخرت بهترین و برترین آشامیدنی است. آشامیدن از آب کوثر یا حوض کوثر در بهشت آرزوی مؤمنان است در این باره روایاتی نقل شده<sup>۵۳</sup> و سوره ای از قرآن به نام کوثر می باشد.

### نقش آب در سرگذشت انبیاء

آب، در زندگی و سرگذشت انبیای الهی نقشی داشته که داستانهای آنان در قرآن از آن

۴۴ - محاسن رقی ص ۶۲۲

۴۵ - در محاسن ص ۶۲۲، حاشیه (عن قلبی) آمده اما در السنة مردم (عن قلب) رواج دارد.

۴۶ - سفینه البحار ج ۲ ص ۵۶۰

۴۷ - المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم، ماده (موه)

۴۸ - سوره ابراهیم/۲۳ و سوره های ۳/۱۳ و ۱۶/۱۶ و ۱۷/۲۷ و ۱۷/۷۰

۴۹ - سوره اعراف/۵۰

۵۰ - سوره اعراف/۵۰

۵۱ - مستدرک ج ۳ ص ۱۲۹

۵۲ - سوره واقعه/۱۷، ۱۸

۵۳ - سفینه البحار ج ۱ ص ۳۵۹

حکایت دارد. در طوفانِ نوح، از آسمان آب فرو ریخت، و از زمین آب جوشید، و قومِ عاصی و بدکارِ نوح را هلاک کرد، و او به امر خداوند و با راهنمایی او کشتی بساخت، و تنها او و مؤمنان و حیواناتی چند که در کشتی بودند نجات یافتند و بقیهٔ مردم کافر حتی فرزندِ نوح که با کافران دمساز بود غرق شدند.<sup>۵۴</sup>

همین کشتی نوح در آثار اسلامی رمزی از ولایتِ اهل بیت گردیده و حدیث معروف (مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي كَسْفِيَّةِ نُوْحٍ مَنْ رَكِبَهَا نَجَا وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا هَلَكَ)<sup>۵۵</sup> منشأ این رمز است. صالح، قومِ خودمُود را با آب آزمایش می‌کند که باید آب میان قوم و نفاقهٔ وی به نوبت تقسیم شود.<sup>۵۶</sup> موسی، بر سر آبِ مدین به دخترانِ شعیب برمی‌خورد و گوسفندانِ شعیب را آب می‌دهد و از این راه به دیدارِ شعیب و کسبِ معرفت از او، و سرانجام، به دامادی وی توفیق می‌یابد.<sup>۵۷</sup> باز موسی بر لبِ دریا به خضر دسترسی یافته پس از مشقتِ بسیار پیراه را می‌جوید و از او ارشاد و هدایت می‌طلبد و با اجازهٔ او در خشکی و دریا ملازمت او را اختیار کرده از او اسرار را فرا می‌گیرد.<sup>۵۸</sup>

مادر موسی نیز پیش از آن به فرمان الهی طفل خود را از ترس گماشتگان فرعون در صندوق می‌گذارد و به آب سر می‌دهد و خداوند مجدداً کودک را به مادر باز می‌گرداند.<sup>۵۹</sup> بنی اسرائیل در مصاحبتِ موسی به طور خارق العاده از دریا عبور می‌کنند، و فرعون و لشکر یانش که آنان را دنبال می‌کردند در آب غرق می‌شوند.<sup>۶۰</sup> هنگامی که بنی اسرائیل در بیابانِ سینا از موسی آب طلب می‌کنند وی به امر الهی از سنگ، دوازده چشمه به عدد اسباط و تیره‌های بنی اسرائیل جاری می‌سازد.<sup>۶۱</sup> طالوت، بنی اسرائیل را با آب می‌آزماید که هر کس از آن نهرِ معهود، بیاشامد از جرگهٔ او خارج است و هر کس از آن خودداری کند از مؤمنان است.<sup>۶۲</sup> رسول اکرم در بیعتِ رضوان زیر درخت و کنارِ چاهِ آبِ حُدیبیه برای خویش<sup>۶۳</sup>، و در کنار

۵۴ - سورهٔ هود/ ۴۰ تا ۴۴ و سورهٔ قمر/ ۱۱ تا ۱۴

۵۵ - تحفبات الانوار یک جلد تمام، سفینه البحار ج ۱ ص ۶۳۰ با اشاره به اسناد و طرق حدیث در بحار الانوار

۵۶ - سورهٔ قمر/ ۲۷ و ۲۸

۵۷ - سورهٔ قصص/ ۲۳ تا ۲۸

۵۸ - سورهٔ کهف/ ۶۰ تا ۸۲

۵۹ - سورهٔ طه/ ۳۷ تا ۳۹ و سورهٔ قصص/ ۷ تا ۱۳.

۶۰ - سورهٔ طه/ ۷۷ و ۷۸ و همچنین سوره‌ها و آیات: ۴۰/۲۸، ۴۰/۵۱، ۴۰/۷، ۳۸/۷، ۹۰/۱۰، ۹۰/۲۶.

۶۱ - سورهٔ بقره/ ۶۰

۶۲ - سورهٔ بقره/ ۲۴۹.

۶۳ - سفینه البحار ج ۱ ص ۱۱۷ با اشاره به بحار الانوار، کتابهای سیر و مغازی و تفاسیر ذیل سورهٔ انفال

غدیر برای وصایت و ولایت علی از صحابه بیعت گرفت<sup>۶۴</sup> به اعجاز رسول خدا چاه حدیبیه که کم آب و متروک بود، آبش زیاد گردید<sup>۶۵</sup>. و نیز در سفری، رسول خدا از باقیمانده آب وضوی خود جمعی لب تشنه را سیراب کرد<sup>۶۶</sup> همان گونه که با آب دهان خویش چشم درد علی را در غزوه خیبر بهبود بخشید و اعمال خارق العاده دیگر از قبیل این که از سر انگشتانش در حدیبیه و در غزوه تبوک آب جاری گردید<sup>۶۷</sup>.

نظیر این اعمال خارق العاده را به علی علیه السلام در صفین و جاهای دیگر نسبت داده اند و سید حمیری در آن باره قصیده ای ساخته است با این مطلع:

وَلَقَدْ سَرَىٰ قَيْمًا يَسْرُ بَلِيلَةَ بَعْدَ الْعِشَاءِ بِكَرْبَلَا فِي مَوْكِبٍ

و مرحوم علم الهدی شریف مرتضی آن را شرح کرده است<sup>۶۸</sup> تمام آن قصیده و شرح لغات آن توسط شریف مرتضی، در سفینه البحار آمده است.

از حضرت رضا علیه السلام نیز آورده اند که در بیابانی همراهانش را عطش فرا گرفت و او به اعجاز آب از زمین بیرون آورد و آنان را سیراب کرد<sup>۶۹</sup>.

در جنگ صفین، لشکر معاویه آب را به روی علی و لشکرش بستند، اما همین که لشکریان علی آب را تصاحب کردند به فرمان علی آب را از لشکر معاویه دریغ نداشتند<sup>۷۰</sup>. همان طور که علی هنگام محاصره منزل عثمان توسط مردم، به وی آب رسانید<sup>۷۱</sup>، و فرزندش حسین علیه السلام، نیز به لشکر حُرَبن یزید ریاحی که آمده بودند تا از رفتن حسین به سمت کوفه مانع شوند و عطش بر آنان غلبه کرده بود آب داد، اما در کربلا لشکر ابن زیاد آب را چند شبانه روز به روی حسین و همراهانش بستند<sup>۷۲</sup>.

### استسقاء و نماز باران

در روایات اسلامی داستانهای زیادی از دعای باران، و استسقای رسول اکرم و ائمه اهل بیت طی حوادث مختلف، و نزول باران پس از آن به امر خداوند، آمده است<sup>۷۳</sup>. همچنین خلیفه دوم

۶۴ - الغدیر ج ۱ و منابع بسیار دیگر که در همین مأخذ ذکر شده است.

۶۵ - سفینه البحار ج ۲ ص ۵۶۰ و ص ۵۶۱ و ج ۱ ص ۶۳۵. و به عکس آب دهان مسلمة کذاب، آب چاه را خشک کرد سفینه

۶۶ - سفینه البحار ج ۱ ص ۶۰۶ و ج ۲ ص ۵۶۰

ج ۲ ص ۶۵۲.

۶۸ - سفینه البحار ج ۲ ص ۵۶۰ و ۵۶۱

۶۷ - سفینه البحار ج ۱ ص ۷۰۷

۷۰ و ۷۱ - همین مأخذ

۶۹ - سفینه البحار ج ۲ ص ۵۶۲

۷۳ - سفینه البحار ج ۱ ص ۶۳۵ و ۶۳۶.

۷۲ - همه مقاتل مشهور.

هنگام استسقاء، عباس عموی پیغمبر را وسیله قرار می داد<sup>۷۴</sup>. نماز استسقاء و آداب و کیفیت آن در احادیث و در فقه بابی دارد<sup>۷۵</sup>. حضرت ابوطالب در ستایش و مدح رسول اکرم شعر: (وَأَبْيَضَ يُسْتَسْقَى الْعَمَامُ بِوَجْهِهِ) را سروده. و عبدالمطلب برای اهل مکه از خداوند طلب باران کرده است<sup>۷۶</sup>.

### آب و عطش در کربلا

بی آبی و عطش امام حسین و خاندان و یارانش در کربلا یکی از بزرگترین و دلسوزترین مصائب آن واقعه، و دلیل آشکار مظلومیت آن بزرگواران و سخت دلی دشمنان آنان است. شیعیان و دوستان آن خاندان طهارت، در ایام محرم، به یاد آن لب تشنگان آب سیل کنند. و همین امر باعث ساختن و تأسیس هزاران سقاخانه در بلاد اسلامی با آداب خاص به یاد حسین و تبرک جستن به نام وی گردیده است. همان طور که برای شرب مردم، آب انبارهای بی شماری ساخته اند.

بخش مهمتی از مرثیه ها و اشعار مصیبت به زبانهای عربی، فارسی، ترکی، اردو و سایر زبانهای اسلامی، ناظر به همین مصیبت عطش خاندان طهارت در کربلاست. و از میان شهدای کربلا عطش کودک شیرخوار امام حسین و علی اکبر فرزند بزرگ وی و همچنین جریان سقایی عباس برادرش با حماسه خاصی یاد می شود و آه و ناله و غوغای حاضران را بلند می سازد و این شعر محتشم کاشانی وژد زبانهاست:

زان تشنگان هنوز به عبوق می رسد  
فریاد العطش زیبابان کربلا

### آب حیات

شایعه آب حیات، گویا ریشه یونانی دارد و از افسانه های اسکندر مقدونی سر چشمه گرفته است. ظاهراً در آثار اسلامی به لحاظ تطبیق نابجای (ذی القرنین) با اسکندر مقدونی، و این که، خضر را هم از همراهان ذی القرنین به شمار آورده اند، به همین مناسبت طول عمر خضر را به سبب نوشیدن آب حیات در ظلمات، دانسته اند که ذی القرنین در پی آن بود، ولی از خوردن آب حیات و عمر جاویدان محروم گردید. در این باره روایاتی هم نقل شده است که باید دقیقاً مورد بررسی قرار گیرد<sup>۷۷</sup>. و ما در این جا فرصت آن را نداریم و نظر قطعی ابراز نمی کنیم.

۷۴- همین مأخذ.

۷۵- کافی ج ۳ ص ۴۶۲.

۷۶- سفینه البحار ج ۱ ص ۶۳۵

۷۷- سفینه البحار ج ۱ ص ۳۸۹

## آب و علم

آب، در آیه (وَأَلَّوْاسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقِينَهُمْ مَاءً غَدَقًا)<sup>۷۸</sup> از قول امام صادق علیه السلام، به علم تأویل گردیده که مردم آن را از زبان امامان اهل بیت علیهم السلام می آموزند. علامه مجلسی گفته است استعاره آب از علم شایع است زیرا علم، سبب حیات روح است همان طور که آب، مایه حیات بدن است<sup>۷۹</sup>. معبران خواب نیز آب را به علم تعبیر کنند و اگر کسی خواب ببیند که در آب شنا می کند آن را نشانه عالم شدن وی می دانند در بحارالانوار بابی به عنوان (إنهم - الأئمة - علیهم السلام الماء المعین) آمده و حدیث سابق الذکر (مثلُ أهلِ بیتی کتفینةُ نُوحٍ) نیز اشاره ای لطیف به این معنی دارد<sup>۸۰</sup> و به همین مناسبت کوثر به فاطمه و ذریه پیغمبر تأویل گردیده<sup>۸۱</sup> و نیز علی را ساقی حوض کوثر شمرده اند<sup>۸۲</sup> که این خاندان، دریای علم و معرفتند، و لب تشنگان دانش و بینش از آب دانش آنان باید سیراب گردند.

وحی الهی نیز، که سرچشمه حقایق علمی است، در قرآن به آب آسمان تشبیه گردیده که هر کسی به قدر استعداد خود از آن بهره مند می گردد ولی برای افراد غیر مستعد به منزله سیل بنیادکن است، آب بجای مانده در زمین به منزله حق، و کف روی آب به منزله باطل است: (أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَةٌ بِقَدَرِهَا فَاحْتَمَلَ السَّيْلُ زَبَدًا رَابِيًا... كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ...<sup>۸۳</sup>)

## آب در فقه اسلامی

گرچه در بسیاری از ابواب و کتب فقه، فروع و مسائلی با آب مرتبط است، اما آنچه رابطه مستقیم با آب دارد بخش مهمی از کتاب طهارت، کتاب اطعمه و اشربه، کتاب احياء الموات، کتاب مزارعه و مساقات است که در این جا با رعایت اختصار، و به استناد به کتاب شرائع الاسلام اثر ارزنده محقق حلی یا محقق اول فقیه معروف امامی (۶۰۲ - ۶۷۶ هـ ق) که معتبرتر و شایعتر از دیگر متون فقهی شیعه امامیه است به ذکر رئوس مسائل آن کتب، اکتفا می کنیم و در پایان تنها فهرست مسائل سایر ابواب و کتب فقه را که به آب ارتباط دارد یادآور می شویم.

به نظر می رسد این اندازه بحث فقهی بتواند جایگاه آب را در فقه اسلام به طور کلی نشان دهد. و نمونه ای از آرای دیگر فقهای اسلام باشد.

۷۸ - سفینه البحار ج ۲ ص ۵۶۲

۸۱ - مجمع البیان ج ۱۰ ص ۵۴۱

۸۳ - سورة رعد/ ۱۶

۷۸ - سورة جن/ ۱۶

۸۰ - سفینه البحار ج ۱ ص ۶۳۰

۸۲ - سفینه البحار ج ۱ ص ۳۵۹

## آب در کتاب طهارت

معمولاً در کتب فقه و حدیث، اولین کتاب، کتاب طهارت است که مقدمه نماز است و نماز هم ستون دین، و به طور کلی، افضل اعمال و عبادات است، و این حسن مطلق، که فقه، با طهارت و پاکی و نظافت، آغاز گردیده در حقیقت، به یمن نماز است و از برکت اهمیت است که اسلام به نماز می دهد.

به همین علت، محقق در شرایع، رکن اول از ارکان اربعه کتاب طهارت را، در انواع آب و احکام آن قرار داده و خلاصه این که:

### اقسام آب

آب، دو قسم است: مطلق و مضاف، مطلق آن است که به طور مطلق و بدون قید، (آب) گفته شود که آن در اصل طاهر و مُطَهَّر (ظهور به معنی طاهر و مطهر است) و مُزِيلِ حَدَث (حالتی که از جنابت و بول کردن و غیر آن حاصل شود) و خَبَث (اقسام نجاست) می باشد، و مادامی که اسم آب بر آن اطلاق شود هر چند اوصاف آن به خودی خود یا به سبب شیئی طاهری تغییر یابد همین حکم را خواهد داشت.

آب مطلق، سه قسم است: جاری، را کد، آب چاه. آب جاری تنها با غلبه نجاست بر آن به طوری که یکی از اوصاف ثلاثه یعنی: رنگ، بو یا طعم آن را تغییر دهد، نجس می شود و اگر چنین شد باید آب طاهر بر آن غلبه کند به حدی که اثر نجاست زایل شود تا پاک گردد.

آب را کد اگر کمتر از کُر باشد (قلیل) با ملاقات نجاست نجس، و با ریختن آب کُر بر آن پاک شود، و اگر به مقدار کُر یا بیشتر باشد (کثیر) تنها با تغییر یکی از اوصاف ثلاثه به سبب نجاست نجس، و با ریختن کُر بر آن به حدی که اثر نجاست زایل شود پاک گردد.<sup>۸۵</sup>

اما آب چاه، با تغییر اوصاف آن به سبب نجاست اجماعاً نجس می شود اما به مجرد ملاقات با نجس، در نجاست آن تردید، و اظهر همان نجاست است. آن گاه محقق طریق تطهیر چاه را از هر یک از نجاسات شرح می دهد<sup>۸۶</sup> این مسأله نجاست چاه از زمان شاگرد محقق، یعنی علامه حلی (۶۴۸ - ۷۲۶) به بعد تغییر قیافه داده و مشهور میان متأخران آن است که به مجرد ملاقات با نجس، نجس نمی شود و آنچه در روایات در تطهیر چاه آمده همه محمول بر استحباب است.<sup>۸۷</sup>

۸۵- شرایع الاسلام ج ۱ ص ۱۲ و ۱۳

۸۷- حاشیه شرح لمعه ج ۱ ص ۱۱ به نقل از مدارک شهید دوم

۸۴- ج ۱ ص ۱۲

۸۶- شرایع الاسلام ج ۱ ص ۱۳

اما آب باران در حال نزول و یا جریان از ناودان با ملاقات نجاست نجس نمی شود، مگر با تغییر اوصاف ثلاثه.

آب مضاف آبی است که عصارهٔ جسمی باشد یا آب با چیزی مخلوط شود به طوری که به طور مطلق به آن آب نگویند. آب مضاف به خودی خود پاک است ولی به اجماع، مُزِيل حَدَثْ نیست، و همچنین خَبَثْ، بنا بر اظهار، ولی در غیر طهارت می تواند استعمال گردد، و با ملاقات نجاست، نجس می شود، چه قلیل باشد یا کثیر (به مقدار کُر) و استعمال آن، در خوراک و شرب جایز نیست. و اگر مضاف، طاهر با آب مطلق مزوج شود، تا وقتی که آب مطلق بر آن صادق نباشد رافع حدث نیست.<sup>۸۹</sup>

### آب مُسْتَعْمَلْ در رفع حَدَثْ و خَبَثْ

از جمله احکام آب، آن که آب مستعمل در رفع نجاست، نجس است چه تغییر یافته باشد یا خیر، و چه در غَسْلَةْ اول باشد یا دوم، و چه آلوده به نجاست باشد یا خیر. به جز آب استنجاء (شستن محل غایط) که اگر تغییری در آن حاصل نشده باشد پاک است. اما آب مُسْتَعْمَلْ در وضو، طاهر و مطهر است و همچنین آب مستعمل در رفع حَدَثْ اکبر، ولی در این که رافع حدث باشد محل تردید و احوط عدم آن است.<sup>۹۰</sup> مرکز تحقیقات موتور علوم اسلامی

موضع بول را حتماً باید با آب شست و اقل آن، مقدار دو برابر بولی است که بر محل باقی مانده است. اما مخرج غایط را با آب می شویند تا نجاست زایل شود، هر چند بوی آن بر طرف نگردد، و اگر از مخرج به اطراف تجاوز کرده باشد جز آب آن را پاک نکنند، اما در صورت عدم تجاوز، انسان میان به کار بردن آب و سنگ مختیر است، ولی آب افضل و جمع میان آن دو اکمل است.<sup>۹۱</sup>

### آب نیم خورده

(سُور) یا نیم خوردهٔ حیوانات به جز سگ و خوک و کافر پاک است و به جز خوارج و غلاة، سایر فرق مسلمین پاک هستند، و نیم خوردهٔ آنان هم پاک است. نیم خوردهٔ حیوان نجاست خوار و مردار خوار، مکروه است در صورتی که موضع ملاقات از عین نجاست خالی باشد. همچنین نیم خوردهٔ زین حیاض که بی مبالا باشد، و نیز نیم خوردهٔ قاطر، الاغ، موش، مار و آبی که قورباغه یا عقرب در آن مرده همه کراهت دارد. اما اگر حیوانی که دارای خون جهنده باشد در آب بمیرد آن

۸۹- همان ج ۱، ص ۱۵

۸۸- شرایع الاسلام، ج ۱ ص ۵۵.

۹۱- همان ج ۱ ص ۱۸

۹۰- همان ج ۱ ص ۱۶ و ۵۵

آب نجس می شود خونی که کم باشد و به چشم نیاید آب را نجس نمی کند هر چند احوط نجاست آن است.<sup>۹۲</sup>

### آب در وضو

وضو گرفتن و غسل کردن با آبی که با تابش آفتاب در ظرف گرم شده باشد و همچنین غسل دادن میت با آب گرم شده با آتش مکروه است.<sup>۹۳</sup> بول کردن در آب، اعم از جاری و راكد نیز مکروه است.<sup>۹۴</sup> آب، در وضو لازم است و باید صورت و دو دست را تا آرنج شست و سر و دوپارامسح کرد.<sup>۹۵</sup> (و به قول اهل سنت پاها را شست) در وضو مستحبات و آداب و احکامی است که غالباً با آب مربوط می شود.<sup>۹۶</sup>

### آب در غسل

در غسل نیز آب لازم است.<sup>۹۷</sup> اغسال دو قسمتند: غسل واجب، که شش غسل است: جنابت، حیض، استحاضه، نفاس، مس میت انسانی، غسل میت.<sup>۹۸</sup> و غسل مستحب که بنا بر مشهور ۲۸ غسل است.<sup>۹۹</sup> شانزده غسل در اوقات خاص که عبارت است از: جمعه، شب اول رمضان و شبهای نیمه، ۱۷، ۱۹، ۲۱، ۲۳ آن ماه و شب عید فطر، روز عید فطر و قربان، روز عرفه، شب نیمه رجب روز ۲۷ رجب، شب نیمه شعبان، روز عید غدیر و روز مباحله.<sup>۱۰۰</sup>

هفت غسل برای کارهای خاص که عبارت است از: احرام، زیارت، کسی که نماز کسوف را عمداً نخوانده باشد، توبه، نماز حاجت و نماز استخاره.

پنج غسل در امکانه خاص: جهت دخول حرم: (حدود چهار فرسنگ اطراف مکه)، مسجد الحرام، کعبه، مدینه و مسجد النبی.<sup>۱۰۱</sup>

در غسل، باید آب به همه اجزای بدن، حتی زیر ناخنها و موها برسد.<sup>۱۰۲</sup> و در صورت فقدان آب، به جای غسل و وضو باید تیمم کرد، که آن نیز احکامی دارد مربوط به آب.<sup>۱۰۳</sup> از این قبیل

- |                            |                             |
|----------------------------|-----------------------------|
| ۹۲- شرایع الاسلام ج ۱ ص ۱۶ | ۹۳- همان ج ۱ ص ۱۵           |
| ۹۴- همان ج ۱ ص ۱۹          | ۹۵- همان ج ۱ ص ۲۱           |
| ۹۶- همان ج ۱ ص ۲۲-۲۳ و ۲۴  | ۹۷- شرایع الاسلام ج ۱ ص ۴۵  |
| ۹۸- همان ج ۱ ص ۲۵          | ۹۹- همان ج ۱ ص ۴۴           |
| ۱۰۰- همان ج ۱ ص ۴۴         | ۱۰۱- شرایع الاسلام ج ۱ ص ۴۵ |
| ۱۰۲- همان ج ۱ ص ۲۷         | ۱۰۳- همان ج ۱ ص ۴۹ و ۵۰     |

که فقدان آب چگونه محقق می شود و نظیر آن.

میت را سه نوبت غسل دهند: اول با آب سدر، دوم با آب کافور و سوم با آب خالص، و در صورت نبودن سدر و کافور، همان یک غسل با آب خالص کافی است. و قولی است بر این که سه بار با آن غسل دهند و احکام غسل میت و فروع مربوط به آن بسیار است و مستحب است که آب غسل میت را در چاه مخصوص به آن رها کنند، نه در چاه فاضلاب<sup>۱۰۴</sup> و نیز بر روی قبر میت آب بریزند.

### تطهیر بدن و لباس با آب

ازالۀ نجاست با آب، از جامه و بدن برای نماز و طواف، و دخول در مساجد لازم است، و همچنین از ظروف آکل و شرب<sup>۱۰۵</sup>. جامه و بدن، از بول، دوبار شستشوی شود و اگر جامه کسی با سگ و خوک و کافر با رطوبت ملاقات کند شستن آن واجب، و اگر خشک باشد مستحب است آب بر آن بپاشند. اما در مورد بدن، اگر با رطوبت با آنها ملاقات کند حتماً باید شسته شود. و قولی است که اگر خشک باشد آن را با آب مسح کنند ولی این مطلب ثابت نیست<sup>۱۰۶</sup>. احکام نجاسات و کیفیت اجتناب از آنها در نماز و جزآن مفصل است<sup>۱۰۷</sup>.

### تطهیر ظرف با آب

ظرف را از ولوغ: (لیسیدن) سگ باید سه بار شست: دفعه اول با خاک بنابر قول صحیح تر، ظرف شراب را و ظرفی که موش در آن مرده باشد، سه بار تنها با آب باید شست، و هفت بار بهتر است. اما در سایر نجاسات، فقط یک بار بشویند و سه بار احوط است<sup>۱۰۸</sup>. ظرف شراب که از چوب باشد و یا سفال بدون لعاب، استعمال آن جایز نیست و بعید است که با آب پاک شود ولی اقرب پاک شدن آن است پس از ازالۀ نجاست و سه بار شستن<sup>۱۰۹</sup>.

### آب در کتاب اطعمه و اشربه

مستحب و سزاوار است در میان مشروبات و مایعات، آب را برای شرب اختیار کنند و بدان التذاذ برند، بخصوص آب شیرین و گوارا همراه کمی شکر. و از اسراف و افراط در آن احتراز کنند، بخصوص پس از خوردن چربی و به طور کلی بعد از غذا، اما پس از خوردن خرما مستحب

۱۰۵- همان ج ۱ ص ۵۳  
۱۰۸- شرایع الاسلام ج ۱ ص ۵۶

۱۰۴- شرایع الاسلام ج ۱ ص ۳۸  
۱۰۶ و ۱۰۷- همان ج ۱ ص ۵۳-۵۴ و ۵۵  
۱۰۹- شرایع الاسلام ج ۳ ص ۲۲۸

است آب بیاشامند. آب را هنگام شرب، بمکند و هس نکشند و با سه نفس بیاشامند، نه با یک نفس. در روز ایستاده بیاشامند نه در شب. پیش از شرب بسم الله و بعد از آن سپاس گویند و دعای خاص را بخوانند، و همچنین در هر نفسی، و از حسین علیه السلام یاد کنند و به قاتلان وی نفرین فرستند. در قدحهای شامی بیاشامند، نه در سفالِ مصری، در سفال آب بنوشند نه در ظرفهای برنجی و یا در ظروف نقره و طلا. در صورت نبودن ظرف، با دست آب بنوشند، و مانند حیوانات دهن در آب نهند. از دهانِ مشک و از جای شکسته و ترک خورده ظرف و از جای دسته آن ننوشند، بلکه از وسط دودسته بیاشامند.

به مؤمنان آب دهند که خداوند از ظرفهای سربسته بهشتی به آنان بیاشاماند، همچنین به حیوانات مخصوصاً هنگام ذبح. از نیم خورده مؤمنان بخورند و به آن تبرک جویند. همچنین از آب زمزم و فرات و آب باران و ناودان بنوشند. شتردار جلوتر از همه آب خورد و در آخر همه وضو سازد. ساقی قوم در آخر آب آشامد، از آب کبریت و تلخ و شور و برهوت، نخورند<sup>۱۱۱</sup>.

دستها را پیش از غذا و بعد از آن بشویند، و در مجلس ضیافت، نخست دست صاحبخانه را بشویند سپس آن که سمت راست او نشسته، و به ترتیب دور بزنند تا آخرین نفر، و غسله را در یک ظرف جمع کنند<sup>۱۱۲</sup>.

آن کس که با مجوسی هم خوراک شود، امرش کند تا دستش را بشوید بنا بر روایتی نادر<sup>۱۱۳</sup>، چنانچه با آب نجس خمیر کنند و نان بپزند، آن نان پاک نمی شود<sup>۱۱۴</sup>.

## آب در کتاب احیاء موات

در روایات، آب از جمله مشترکات است. چنان که حدیث معروف (ثَلَاثَةُ النَّاسِ فِيهَا شَرَعُ سِوَاءُ الْمَاءِ وَالْكَلَاءِ وَالنَّارِ<sup>۱۱۴</sup>) بر آن دلالت دارد. علامه مجلسی می گوید از آیاتی که در مورد نزول آب، از آسمان نازل شده استفاده می شود که همه مردم می توانند به آن منتفع شوند و اصل در آن اباحه است، و هر انسانی در هر آبی حق انتفاع دارد، مگر آنچه به دلیل خارج شده باشد، مؤید آن روایتی است که به طُرُقِ عدیده رسیده: (ثَلَاثَةُ أَشْيَاءٍ) تا آخر حدیث سابق، و آنچه این مطلب را به ذهن مانوس می سازد این است که منع از آن مستلزم حَرَجِ عظیم است بخصوص در سفر، روایاتی رسیده که از امامان، ما در مورد کیفیت استفاده از آب و زمین دهات سر راه کاروان،

۱۱۰- وسائل الشیعه عناوین ابواب اشربة حلال ج ۱۷ ص ۱۸۶ تا ۲۰۸

۱۱۲- همان ج ۳ ص ۳۲۱

۱۱۱- شرایع الاسلام ج ۳ ص ۲۳۲

۱۱۴- مستدرک الوسائل ج ۳ ص ۱۵۰

۱۱۳- همان ج ۳ ص ۲۲۶

پرسیده‌اند، و امام استفاده از آن را تجویز فرموده و نگفته است که از صاحبان ده اذن بگیرند و از سیره و عادات پیشینیان می‌دانیم که از این کار احتراز نمی‌کردند<sup>۱۱۵</sup>.

مؤید این گفتار آن است که از فروش آب اضافه (نهرها) منع شده است<sup>۱۱۶</sup> و نیز این که گفته‌اند امیر و سلطان، (یعنی دولت) نمی‌تواند معادن و آبها را به کسی ببخشد<sup>۱۱۷</sup>. ولی فقها غالباً با این وسعت فتوا نداده‌اند و آن روایات را به نهرهای بزرگ و چاهها و چشمه‌های همگانی اختصاص داده‌اند از جمله فتاوی‌ محقق که ذیلاً نقل می‌شود بر همین اساس است:

مردم همه در آب چشمه‌ها و چاهها و باران با هم برابرند و هر کس با ظرف از آن برداشت یا در حوض و منبع آب را حیازت کرد مالک آن می‌شود<sup>۱۱۸</sup>. در قنات و مجرای آب کسی بدون اذنش نمی‌توان تصرف کرد<sup>۱۱۹</sup>.

### حریم آب

حریم راه آب و چاه آب و چشمه، در ملکیت، تابع آنهاست و دیگری نمی‌تواند آن را حیازت کند<sup>۱۲۰</sup>. حریم راه آب به قدر خاک ریز و محل عبور از دو طرف آن است، و اگر کسی حریم نهری را که در ملک اوست ادعا بکند، پس از قسم خوردن از آن اوست و در این تردید است<sup>۱۲۱</sup>. حریم چاهی که شتران را از آن آب می‌دهند چهل ذراع، و چاهی که با شتر از آن آب می‌کشند شصت ذراع است. حریم چشمه در زمین سست هزار ذراع و در زمین سخت پانصد ذراع است. و قولی است بر این که حد آن به مقداری است که دومی ضرر به اولی نرساند، ولی قول اول مشهورتر است.

### حیازت زمین و آب

در احیا و تحجیر و حیازت زمین جوی آب کشیدن در آن کفایت نماید<sup>۱۲۲</sup>، و همچنین درختکاری و آب بر آن سردادن و نیز به این که آب زیادی را از نزار قطع کند و آن را برای زراعت آماده سازد<sup>۱۲۳</sup>. در این که دولت بتواند معادن و آبها را به کسی به رایگان واگذار کند تردید

۱۱۵ - سفینة البحار ج ۲ ص ۵۵۹ نقل از بحار الانوار

۱۱۷ - شرایع الاسلام ج ۳ ص ۲۷۸

۱۱۹ - همان ج ۳ ص ۲۷۱

۱۲۱ - همان ج ۳ ص ۲۷۳

۱۲۳ - شرایع الاسلام ج ۳ ص ۲۷۶

۱۱۶ - مستدرک البحار ج ۳ ص ۱۵۰

۱۱۸ - شرایع الاسلام ج ۳ ص ۲۷۹

۱۲۰ - شرایع الاسلام ج ۳ ص ۲۷۲

۱۲۲ - همان ج ۳ ص ۲۷۶

است ۱۲۴. احداث چاه در نمکزار و تبدیل آن به زمین زراعتی باعث ملکیت آن می شود ۱۲۵. هر کسی در ملک خود یا در زمین مباح، به قصد تملک، چاه حفر نماید آن چاه به وی اختصاص یابد و به محض این که به آب رسید چاه و آب را مالک می شود و کسی را نرسد که به حق وی تخطی نماید ۱۲۶، و اگر کسی چاه را نه به قصد تملک، بلکه به عنوان انتفاع حفر کند، مادامی که آن را ترک نگفته وی نسبت به آن از دیگران اولویت دارد و گفته اند که باید آب زاید بر حاجت را به دیگران بذل کند، و همین طور نیز در مورد آب چشمه و نهر گفته اند. و اگر گفته شود که بذل آب واجب نیست قول خوبی است ولی همین که از آن چاه دست برداشت (اعراض کرد) هر کس بدان سبقت بگیرد، همو احق به بهره بردن از آن است ۱۲۷.

### مالکیت آب نهر

در مورد سرریز و فیضان آب از نهر کسی به زمین دیگری شیخ طوسی صاحب زمین را مالک آن آب نمی داند. همان طور که اگر سیل در زمین کسی افتد مالک آن نمی شود. بلکه تنها صاحب نهر به آن اولویت دارد. اگر چند تن در نهری شریک باشند اگر آب برای همه کافی باشد یا به نحوی در میان خود تراضی حاصل کنند سخنی نیست در غیر این صورت به نسبت مساحت زمین، آب، بخش می شود و چنانچه بگوییم آب به نسبت سهم هر کدام از نهر تقسیم می شود سخن خوبی است ۱۲۸. هرگاه عده ای نهری بکنند به مجرد حفر نسبت به آن اولیت پیدا می کنند و چون به منبع آب رسید آن را مالک می شوند و میان ایشان به نسبت مخارجی که متحمل شده اند مشترک است ۱۲۹.

### کیفیت تقسیم آب

هرگاه نهر مباح و سیل رودخانه وافی به آبیاری همه املاک در یک وقت نباشد ابتدا می شود به کسی که در سر آب قرار گرفته و او از آب تا ارتفاع بند کفش جهت کشت، و تا پشت پا جهت آبیاری درخت، و تا ساق پا جهت درخت خرما، از آن استفاده می کند آن گاه آب را رها می کند به زمین بعد از خود، و همچنین، و پیش از آبیاری بدین کیفیت، رها کردن آب واجب نیست. هر چند این عمل باعث اتلاف کشت و زرع زمین بعد شود. و چنانچه کسی زمین بایری را در چنین

۱۲۵- همان ج ۳ ص ۲۷۸

۱۲۷ و ۱۲۸- شرایع الاسلام ج ۳ ص ۲۷۹

۱۲۴- همان ج ۳ ص ۲۷۸

۱۲۶- شرایع الاسلام ج ۳ ص ۲۷۹

۱۲۹- همان ج ۳ ص ۲۸۰

جایی احیا کند با آنان که بروی سبقت گرفته اند در آن شریک نمی شود، بلکه از باقیمانده آب مقدار کفایت آنان سهمی به وی می رسد، و در این مطلب تردید است<sup>۱۳۰</sup>. آنچه در بین مسلمانان مشترک است، از قبیل: چراگاه و آب، فروش آن پیش از حیاتت جایز نیست<sup>۱۳۱</sup>، آب چاه از آن کسی است که آن را حفر کرده و آب نهر از آن، آن که آن نهر را کشیده و حفر کرده است<sup>۱۳۲</sup>.

### آب در کتاب مزارعه و مساقات

در صحت عقد مزارعه شرط است که زمین دارای آب باشد از نهر یا چاه و یا از منبع. اگر در اثنای مدت، آب قطع شود، طرف مقابل حق خیار خواهد داشت که مزارعه را فسخ کند. زیرا نمی تواند بدون آب، از زمین بهره برداری کند. و اگر با علم شخص به این که زمینی آب ندارد عقد مزارعه یا عقد اجاره زمین جهت زراعت بسته شود، در این صورت، خیار فسخ ندارد، ولی با جهالت به این امر خیار دارد. اما اگر زمینی را بدون قید زراعت، اجاره نماید حق فسخ نخواهد داشت. و همچنین اگر قید زراعت بکند و زمین در جایی واقع شده که معمولاً از آب باران مشروب می شود که باز هم حق فسخ ندارد. اگر زمینی را جهت زراعت اجاره کرده در حالی که هیچ گاه آب از آن قطع نمی شود، این کار درست نیست، زیرا نمی تواند از آن منتفع شود، و اگر بگوییم جایز نیست به این علت که زمینی در این حال، مجهول است حرف خوبی است، و اگر آب کم باشد به حدی که زراعت در آن ممکن باشد مزارعه جائز است، ولی اگر تدریجاً آب از آن زائل شود مزارعه صحیح نیست زیرا وقت انتفاع به آن مجهول است<sup>۱۳۳</sup>.

در عقد مساقات: (قرارداد درخت کاری با شرکت صاحب زمین) هر نوع کاری که به ثمر رسیدن درخت بر آن متوقف باشد در عقد داخل است از جمله آبیاری، احداث چاه و دولا و کشیدن نهر و هر چه وسیله آبیاری است<sup>۱۳۴</sup>.

### احکام آب در سایر ابواب فقه

در موارد ذیل آب دارای حکم است: دخول در آب بدون لنگ<sup>۱۳۵</sup>، نماز استسقاء و آداب آن<sup>۱۳۶</sup>، کیفیت نماز شخص غریق<sup>۱۳۷</sup>، زکات غلاتی که با آب باران و چشمه و نهر مشروب شده یا

۱۳۱ و ۱۳۲ - همان ج ۲ ص ۱۶

۱۳۴ - همان ج ۲ ص ۱۵۶

۱۳۶ - شرایع الاسلام ج ۱ ص ۱۰۸

۱۳۰ - شرایع الاسلام ج ۳ ص ۲۸۰

۱۳۳ - شرایع الاسلام ج ۲ ص ۱۵۲

۱۳۵ - مستدرک الوسائل ج ۱ ص ۷۵

۱۳۷ - شرایع الاسلام ج ۱ ص ۱۳۱

با غیر آن<sup>۱۳۸</sup>، خمس چیزی که با غَوَاصی از دریا بیرون آمده است<sup>۱۳۹</sup>. حکم بطلان روزه با شرب آب، و یا ارتماس در آب، و اماله کردن با مایعات، تر کردن بدن و لباس، در اثنای روزه به قصد تبرید<sup>۱۴۰</sup>. شرب آب زمزم در هنگام حج<sup>۱۴۱</sup>، سقاییت حجاج، آب را مانع شدن از دشمن در جهاد<sup>۱۴۲</sup>، آب دادن به اسیر<sup>۱۴۳</sup>، در شیر آب کردن و فروختن<sup>۱۴۴</sup>، اجرت گرفتن جهت تغسیل میت<sup>۱۴۵</sup>، حکم ربا در خرید و فروش آب<sup>۱۴۶</sup>، بیع سلف در آب و سایر مشروبات<sup>۱۴۷</sup>، مصالحه بر آبیاری زراعت بدون تعیین مقدار آب<sup>۱۴۸</sup>، آب و علف دادن به حیوان مورد ودیعه و ضمانت آن<sup>۱۴۹</sup>، همچنین حیوان مورد اجاره<sup>۱۵۰</sup>، حکم زراعتی که از دانه های سیل آورده در زمین کسی روییده باشد<sup>۱۵۱</sup>، وکالت در وضو و غسل از طرف دیگری<sup>۱۵۲</sup>، کفن بجای مانده از میتی که سیل او را برده است از کیست؟<sup>۱۵۳</sup> شستن پای زن توسط شوهر در شب زفاف، و آب پاشیدن از در خانه تا آخر آن<sup>۱۵۴</sup>، طهارت در حال جماع<sup>۱۵۵</sup>، مجامعت در سفر با نبودن آب<sup>۱۵۶</sup>، شستن نوزاد با آب فرات و جز آن<sup>۱۵۷</sup>، کام نوزاد را با آب فرات برداشتن<sup>۱۵۸</sup>، فروع و احکام سوگند یاد کردن بر ننوشیدن آب<sup>۱۵۹</sup>، افتادن شکار در آب<sup>۱۶۰</sup>، صید ماهی و احکام مختلف آن<sup>۱۶۱</sup>، حکم پرندگان آبی<sup>۱۶۲</sup>، و حیوانی که در کنار دریا یا در صحرا پیدا شده است<sup>۱۶۳</sup>. قسم دادن شخص لال با خوراندن آب قسم به او<sup>۱۶۴</sup>، کشتی رانی و اموال به دست آمده از کشتی غرق شده در دریا<sup>۱۶۵</sup>، قصاص کردن کسی که دیگری را حبس نموده تا از بی آبی مرده است<sup>۱۶۶</sup>، کشتن کسی با افکندن او در آب<sup>۱۶۷</sup>،

- |                                   |  |
|-----------------------------------|--|
| ۱۳۸- شرایع الاسلام ج ۱ ص ۱۵۴      | ۱۳۹- شرایع الاسلام ج ۱ ص ۱۸۰                     |
| ۱۴۰- شرایع الاسلام ج ۱ ص ۱۸۹، ۱۹۰ | ۱۴۱- شرایع الاسلام ج ۱ ص ۳۱۸                     |
| ۱۴۲- شرایع الاسلام ج ۱ ص ۳۱۲      | ۱۴۳- شرایع الاسلام ج ۲ ص ۶۳، ۶۳                  |
| ۱۴۴- شرایع الاسلام ج ۲ ص ۱۰       | ۱۴۵- شرایع الاسلام ج ۲ ص ۱۱                      |
| ۱۴۶- شرایع الاسلام ج ۲ ص ۴۵       | ۱۴۷- شرایع الاسلام ج ۲ ص ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵           |
| ۱۴۸- شرایع الاسلام ج ۲ ص ۱۲۲      | ۱۴۹- شرایع الاسلام ج ۲ ص ۱۸۴                     |
| ۱۵۰- شرایع الاسلام ج ۲ ص ۱۸۷      | ۱۵۱- شرایع الاسلام ج ۲ ص ۲۲۰                     |
| ۱۵۲- شرایع الاسلام ج ۲ ص ۱۹۵      | ۱۵۳- شرایع الاسلام ج ۲ ص ۲۶۷                     |
| ۱۵۴- مستدرک الوسائل ج ۲ ص ۵۶۰     | ۱۵۴- شرایع الاسلام ج ۲ ص ۲۶۸                     |
| ۱۵۶- شرایع الاسلام ج ۲ ص ۲۶۸      | ۱۵۷- شرایع الاسلام ج ۲ ص ۳۴۳                     |
| ۱۵۸- مستدرک الوسائل ج ۲ ص ۶۲۰     | ۱۵۹- شرایع الاسلام ج ۳ ص ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶           |
| ۱۶۰- شرایع الاسلام ج ۳ ص ۲۰۲      | ۱۶۱- شرایع الاسلام ج ۳ ص ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۱۳، ۲۱۸، ۲۱۹ |
| ۱۶۲- شرایع الاسلام ج ۳ ص ۲۲۱      | ۱۶۲- شرایع الاسلام ج ۳ ص ۲۸۹                     |
| ۱۶۴- شرایع الاسلام ج ۴ ص ۸۸       | ۱۶۳- شرایع الاسلام ج ۴ ص ۱۰۹                     |
| ۱۶۶- شرایع الاسلام ج ۴ ص ۱۹۶      | ۱۶۴- شرایع الاسلام ج ۴ ص ۱۹۷                     |

افکندن کسی را در دریا که باعث بلعیدن ماهی گردیده است<sup>۱۶۸</sup>، احکام سباحت و شناوری... به آنچه گفته شد باید اضافه کرد: آثار تاریخی و جغرافیایی فرهنگ اسلامی را در پیوند با آبار و چاههای معروف<sup>۱۶۹</sup>، نهرها<sup>۱۷۰</sup>، چشمه ها<sup>۱۷۱</sup>، پلها<sup>۱۷۲</sup>، رودخانه ها<sup>۱۷۳</sup>، بندرها<sup>۱۷۴</sup>، دریاها<sup>۱۷۵</sup>، دریاچه ها<sup>۱۷۶</sup>، سدها<sup>۱۷۷</sup> و قناتهای نامی که به نحوی با اسلام ارتباط دارد، و بخشی از فرهنگ اسلامی است، و می تواند موضوع کتابی بزرگ قرار گیرد، و شاید هم در آن باره کتابی تدوین گردیده باشد، همان طور که راجع به مساجد و دیرها و روابطها نوشته اند.

با سیری در سطور فشرده بالا رابطه آب را در اسلام، با صدها عنوان از مخلوقات خدا مانند: آسمان، زمین، خاک، خورشید، ابر، باد، آتش، دریا، کوه، دره، رودخانه، و یا آثار بشر مانند چاه، نهر، سد، بندر، آب انبار، سقاخانه... و نیز با مسائل و عناوین بی شمار فقهی و تاریخی و علمی می توان به دست آورد، و مجموع آنها این حقیقت را مُسَجَّل می سازد که آب، از دیدگاه اسلام، نه تنها مایه اصلی خلقت عالم و آدم و مخلوقات خدا و خلق است بلکه جزء لاینفک زندگی روزمره بشر و احکام و آداب و قوانینی است که مانند آب آسمان، به خاطر حیات دوباره بشر از آسمان وحی الهی نازل گردیده است.

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

- |  |                                     |
|--|-------------------------------------|
| ۱۶۸ - شرایع الاسلام ج ۴ ص ۱۹۸                                | ۱۶۹ - معجم البلدان ج ۱ ص ۲۹۸ به بعد |
| ۱۷۰ - معجم البلدان ج ۵ ص ۳۱۵ به بعد و سفینه البحار ج ۲ ص ۶۲۹ | ۱۷۱ - معجم البلدان ج ۴ ص ۱۷۵ به بعد |
| ۱۷۲ - معجم البلدان ج ۴ ص ۴۰۰                                 | ۱۷۳ - معجم البلدان ج ۵ ص ۳۴۳        |
| ۱۷۴ - معجم البلدان ج ۵ ص ۲۴۵                                 | ۱۷۵ - معجم البلدان ج ۱ ص ۳۴۱        |
| ۱۷۶ - معجم البلدان ج ۱ ص ۳۵۱                                 | ۱۷۷ - معجم البلدان ج ۵ ص ۳۴         |